



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۶۶		۶۶
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمه اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	واگله ایران سابقانه ده تومان
جلسه پنجشنبه ۴	خواهد بود	خارجی ۴ دوازده تومان
مهر ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	قیمه نك شماره
مطابق ۲۲ ریمم الثاني	مطبعه مجلس	يك قران
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۴ مهر ماه ۱۳۰۸ * (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) معرفی آقای جلایر بهت معاونت وزارت مالیه
- ۳) مرخصی آقای خطیبی
- ۴) شورا اول مقاوله نامه امانات پستی بین دولین ایران واتحاد جاهر شوروی
- ۵) فروش منال مستملات انتقالی
- ۶) اضافه حقوق معلمین فرانسوی
- ۷) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس پنجشنبه ۲۸ شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

رئیس - آقای فیروز آبادی
 دهستانی - آقای دهستانی
 فیروز آبادی - قبل از دستور
 دهستانی - قبل از دستور .

* عین مذاکرات مشروح شصت و شصتین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان ، ملک آرائی - آشتیانی - اعظم زنکنه - احتشام زاده - لرستانی - رحیم زاده - حاج سید محمود - ارباب کیخسرو - تیمور ناش
 غائبین بی اجازه - آقایان ، وهاب زاده - میرزا حسنخان وثوق - دکتر طاهری - زوار - پوشهری - مسعود - آصف - آقا زاده سبزواری - قوام - حاج رحیم آقا - ظفری - میرزا ابو الفضل - اعتبار - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قبل از دستور .

رئیس - آقای دشقی

دشقی - قبل از دستور

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم که بنده میخواستم يك توضیحی عرض کنم که بعضی از آقایان که در جلسه گذشته غائب بی اجازه نوشته شده اند علی الرسم است و اجازه خواسته بودند و در کمیسیون هم اجازه آقایان تصویب شده است مثل آقای اعتبار که اجازه خواسته بودند و اجازشان هم تصویب شده است . محض اطلاع عرض کردم .

رئیس - اصلاح میکنیم . آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم برای غیبت خودم خواستم عرض کنم که استعجازه کرده ام .

رئیس - راپرت کمیسیون عرایض و مرخصی وقتی رسید اصلاح میشود . آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - عرضی ندارم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟

(کفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر مالیه

فرمایشی دارید؟

(۲ - معرفی آقای وزیر مالیه آقای جلالیرا)

(سمت معاونت وزارت مالیه)

وزیر مالیه - آقای جلالیرا را سمت معاونت وزارت

مالیه معرفی میکنم .

(۳ - مرخصی آقای خطیبی)

رئیس - يك فقره خبر از کمیسیون عرایض و

مرخصی رسیده است قرائت میشود .

(اینطور خوانده شد)

آقای خطیبی نماینده محترم برای انجام پاره امور مهمه محلی تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ ۲۰ مهرماه نموده اند کمیسیون مرخصی همزی البته را تصویب و اینک خبر آن را تقدیم مجلس مقدس مینماید .

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده باید عرض کنم که با مرخصی ها موافقم بخصوص اشخاصی که میخواهند مرخصی بگیرند برای يك کار های صحیحی چیزی که هست می خواهم این عقیده عملی بشود اگر چه بعد از ده سال باشد که هرکس در مقابل عمل حق بگیرد و به این ملاحظه بنده مخالف هستم و خواهش میکنم از آقایان که میخواهند مرخصی بگیرند بجهت اینکه کار های اینجا سرمشق جاهای دیگر باشد نصف حقوقشان بابت از حقوقشان یا دولت حقوقشان هرکس باندازه فتوشن تخصیص با احتیاجات آن محل بدهند و بيك موسسه عام المنفعه از قبیل فقرا مریضخانه بدهند تا اینکه این روح کم کم تولید بشود و در همه جا در سایر ادارات و وزارتخانها هبچکس طالب گرفتن حق بدون کار نباشد و اگر هم گرفت بيك کاری زده شود که مدل آنکاري که داردا بهتر باشد باین ملاحظه بنده مخالفم که بعدها انشاء این فکر عملی بشود .

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم تصور میکنم نماینده محترم در این دوره مرخصی نگرفته باشند و همکار محترم بنده آقای

فیروز آبادی هم که مخالفت فرمودند البته بنده ایشان را نقد نمیکنم برای اینکه تبعیض نمیکند و بلا استثناء مخالفت میکنند لکن گمان میکنم آقای خطیبی نماینده محترم برای يك کار بخصوص و يك احتیاجاتی است که تقاضای مرخصی کرده اند که با او موافقت شود بهتر است که مخالفت شود و از آقا هم استدعا میکنم که مخالفت خودشان را پس بگیرند و رأي هم بدهند .

رئیس - موافقین با مرخصی آقای خطیبی قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون پست و تلگراف

راجع بلايحه تقدیمی دولت قرائت میشود .

(۴ - شور اول مقاله نامه امانات پستی بین)

(دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی)

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۷۹۷۲ تقدیمی دولت راجع بمبادله امانات پستی را با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تحت شور قرار داده ماده واحده تقدیمی دولت را بابتدیل کلمه تصدیق بتصویب عیناً تصویب نموده و خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است . اعتراضی رسیده است . رأي میگیریم بررود در شور موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . به ماده يك اعتراضی رسیده است . به ماده دو ، سه ، چهار ، پنج ، شش ، هفت ، هشت ، نه ، ده اعتراضی رسیده است . به ماده یازده ، دوازده ، سیزده ، چهارده ، پانزده ، شانزده ، هفده ، هیجده ، نوزده ، بیست ، بیست و يك ، بیست و دو ، بیست و سه ، بیست و چهار ، بیست و پنج هیچکدام اعتراضی رسیده است به پروتکل اختتامیه هم اعتراض رسیده است رای میگیریم بررود در شور دوم موافقین قیام فرمایند .

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمستغلات مطرح است .

(۵ - فروش منال مستغلات انتقالی)

(بمضمون ذیل خوانده شد)

خبر از کمیسیون قوانین مالیه بمجلس مقدس شورای ملی : کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۳۰۶۶ دولت را در خصوص فروش منال خالصگی با حضور نماینده دولت مطرح شور و مذاقه قرار داده ماده واحده ذیل را تنظیم و تقدیم میدارد .

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که مستغلات انتقالی را که در تصرف مردم است از تاریخ تصویب این قانون ملک اربابی شناخته و از آن قسمت مستغلانی که مالیاتی دولت قبل از مالیات موضوعه صد پنج در یافت میداشته بملکین متصرف آن مستغلات از قرار تومانی پنجتومان فروخته و قیمت آنرا از سنه ۱۳۰۹ سه ساله با قساط متساوی دریافت نماید .

رئیس - ماده واحده مطرح است و شور اول آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض میکنم که در سنبله ۱۳۳۳ قری يك قانونی از مجلس گذشت راجع بمالیات مستغلات و صدی پنج مالیات بود در ماده چهارم آن قانون در فقره اول مستغلات دولتی را استثناء کرد از آن مالیات بنده سؤال میکنم از آقای وزیر مالیه که آیا وقتی این قانون مجری شد مطابق صد پنج از مستغلات خالصگی مالیات گرفته اند یا مالیات سابق را می گرفتند ؟ این را بفرمایند آنوقت بنده عرض را عرض میکنم اگر مالیات صد پنج می گرفتند که این مخالف قانون است و اگر مالیات سابق را می گرفتند اند و این مالیات را امروز هم میگیرند بفرمایند چیست ؟

مر تفضی قلیخان بیات (مخبر) -

خالصجات البته تصدبق میفرماید دو قسم است یکی خالصجاتی است که مربوط بخود دولت است و اساساً حالا هم در دست خود دولت است. يك قسمی هم هست که منتقل ب مردم شده است و در واقع مال مردم است منتوی دولت يك حقوقی از آن خالصجات بر حسب آن فرمان یا بر حسب آن نوشته که داده شده است میگیرد چنانکه در املاک خالصجات انتقالی هم همین ترتیب معمول بوده است. يك املاکی را دولت ب مردم انتقال داده بود ولی حقی از آنها میگرفت. اما چون در این اواخر در نظر گرفته اند که کلیه مالیاتها بيك ترتیب و يك نسق گرفته شود و این اختلافات از بین برداشته شود در چندی قبل يك قانونی راجع بخالصجات انتقالی آمد و از مجلس شورای ملی گذشت که بموقع عمل و اجرا گذاشته شد نسبت بمستغلات در آن قانون ذکری نشده حالیه که این لایحه قانونی را پیشنهاد کرده اند راجع بمستغلات نظرشان این است که آن قسمت از مستغلاتی که انتقال ب مردم داده شده و در دست مردم است و دولت يك حقوقی از آنها میگیرد آن حقوق را هم مثل آن خالصجات انتقالی ب مردم بفروشند که این اختلاف از میان برداشته شود و کلیه مستغلات همانطور که اظهار فرمودید مطابق این قانون همان صدی پنج را بدهند و آن حق اضافه را که دولت داشته است و میگرفته است آن حق را بفروشند ب کسانی که مستغلات در دست شان است و مالیاتها هم بعد از این يك نسق گرفته شود. راجع بخالصجاتی هم که در دست خود دولت است اگر مالیاتی هم در آن قانون نوشته شده البته از آن قسمت معاف است.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم این لایحه دولت را که بنده مطالعه کردم يك مقدمه ندارد که بنده آن را بخوانم و بدانم که این در کجاست مستقل اراضی خالصه است یا يك دکان است یا مغازه است یا خالصه انتقالی است!! دکان و خالصه انتقالی حقیقه يك چیزی است که بنده

نمی فهمم ...

عدل - در کرمان نیست .

روحی - نوي اراضی خالصه بنا شده است. یا چیز دیگری بوده که معامله خالصه با آن شده است و آیا این دکان در کجای مملکت است. در طهران است یا در سایر جاها است؟ جزو جمعش چقدر است؟ و تا این ترتیب چه ترتیبی بوده و چه قسم با آن معامله میکرده اند و از این به بعد چه معامله می کنند؟ بنده عقیده داشتم که اگر این لایحه قدری زبان دارتر و سرخ تر تنظیم می شد تا قدری رفع این اشکالات را می کرد بهتر بود چون بنده گمان می کنم سایرین هم مثل من شاید اطلاعات کافی نداشته باشند اما بالنسبه ب اصل موضوع بنده عرض می کنم که برای دولت چه اشکالی پیدا شده است که می خواهند يك ملك مسلم و محرز دولت را باین نمن بخش بفروشند ب تومانی پنج تومان!! بچه حق و بچه مناسبت و چه الزامی دارند و چه اضطراری دارند و چه چیز باعث شده است که این حق را مثل خالصجات انتقالی که سالی چهار صد هزار تومان بمملکت ضرر وارد آورد از دست بدهند؟! و چرا از نو در صد بر آمده اند و می خواهند این کار را بکنند مطابق عقیده من این بضرر دولت است (عقیده آزاد است) بنده عرض می کنم هر نوع معامله را که تا کنون می کرده اند از این به بعد هم بکنند. بنده عرض می کنم این کرایه که دولت از مستغلات میگیرد و این حقی را که دارد نسبت باین املاک نباید از دست بدهد ب نمن بخش - در هیچ جای دنیا حقوق دولت را این قسم نمی فروشند و از دست نمیدهند. شما به بینید کرایه که از مستغلات امروز در این مملکت دارند میگیرند چقدر است از يك مغازه امروزه بیشتر از يك ملك دودانگی کرایه میگیرند و استفاده میبرند و شاید يك ملك دو دانگی این فایده را ندهد ...

یکی از نمایندگان - ملك شش دانگی نه دو دانگی

دلائلی هم که اقامه میشد مقرر بود و تقریباً اینطور نشان میداد که دولت يك مراجعه و مطالعه خیلی زیادی در اطراف این قضیه کرده است و بیش از این مقتضی نبوده است. بنده هم تبعیت اکثریت را کردم و لذا در این موضوع هیچ دلیلی عرض نمیکنم. لکن در آن قسمت که فرمودید که ملك مسلم دولت را چرا باید باین قیمت بخش بفروشند. اشتباه این جا است که این ملك مسلم دولت نیست اگر ملك مسلم دولت میبود ... (عده از نمایندگان صحیح است. عده دیگر خیر. اینطور نیست)

کازرونی - اجازه بفرمائید. اگر ملك مسلم دولت بود ...

روحی - از کجا معلوم است که نیست ...

کازرونی - اگر ملك مسلم دولت بود البته بایستی مطابق قانونی که داریم ب مزایده بگذارند و بر طبق آن قانون رفتار کنند ولی اینطور نیست ملکی است در تصرف مردم و مدعی مالکیت هم هستند که بدأ باید ب آنها رسیده است و دولت از طرف دیگر مدعی مالکیت آن است اما در تحت عنوان انتقال ب آنها. بالاخره يك مبلغی هم دارد از آنها میگیرد. حالا دولت برای رفع يك اختلافاتی که حاصل شده یا میشود برای رفع این اختلافاتی که در این قضیه پیدا شده و اوقاتی برای حل آن صرف میشود و در مقابل وجوهی که اخذ میشود ابدأ ارزش ندارد خواستند این مسئله را هم ترك کنند و ترتیب اخذ همه این مالیاتها را يك نواخت و بکسان کنند بنا بر این این حق را ب آنها می فروشند و در واقع این املاک مال مردم میشود و آن صدی پنج مالیات مستغلات هم مثل سایر املاک اربابی از آنها گرفته میشود اما اینکه فرمودند این املاک در کجاست در بسیاری از نقاط ایران است در طهران در فارس در آذربایجان در بسیاری از نقاط هست. لکن صورت کلیه آنها و کلیه عوایدش نیامده است ولی در هر حال املاک مستغلی که در تحت

روحی - به بخشید این که عرض کردم دو دانگی اشتباه نکردم و مرادم همان دو دانگی بوده شش دانگی خواستم شش دانگ را بگویم. بدم خیلی زیاد میشود و اغراق است عرض کنم حضور عالی که باین ترتیب نباید يك املاک مسلم دولت را بيك نمن بخش ب تومانی پنج تومان بفروشند خیلی غریب است!! چه معنی دارد!! و بنده شکایت می کنم از اعضا کمیسیون که چرا عین همان لایحه دولت که پنج تومان بوده آن را تغییر ندادند و بنده متوقع بودم که در کمیسیون اقلادو تومان باین پنج تومان علاوه می کردند حق این بود که لااقل دو تومان اضافه نمایند حالا که می خواهند بکسان بکنند. چون خالصجات انتقالی فروخته شده است و شما هم می خواهید مالیاتها را بکسان کنید و از برای مالیه طرز فعلی آن اشکالاتی دارد و این لایحه را آورده اید خوب چرا این مبلغی که را پیشنهاد کردید و چرا در کمیسیون يك مبلغی بآن اضافه نکردید. بنده استدعا میکنم از آقایانی که اطلاع دارند (یا آقای وزیر مالیه یا آقای مخبر) يك توضیحی بدهند که این مستغلات چه جور است و روی اراضی خالصه بنا شده است یا غیر از این است بفرمائید و نیز توضیح بدهند که وزارت مالیه چه الزامی پیدا کرده است که این حق مسلم خودش را می خواهد باین مبلغ ب نمن بخش بفروشد. خوبست يك توضیحاتی بدهند شاید بنده هم قانع و متقاعد بشوم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - در يك قسمت از اظهارات آقای روحی

بنده هم که در کمیسیون قوانین مالیه

افسر - قدری بلند تر

کازرونی - عضویت داشتم معتقد بودم که صدی پنج کم است و عقیده داشتم که صدی ده بشود ولی چون بنده مطیع اکثریت هستم اکثریت کمیسیون رأی داد بر طبق لایحه دولت و طرحی که دولت پیشنهاد کرده بود.

این عنوان باشد یعنی از طرف دولت انتقال داده شده باشد با شخص یا بوسیله فرمان یا بوسیله نوشته یا بوسیله گرفتن اجور معینی در سنوات عدیده این قبیل مستغلات را می خواهند به آنها انتقال بدهند (صحیح است)

رئیس - آقای کیا

کیای نوری - عرضی ندارم.

رئیس - آقای فهمی

فهمی - از توضیحات آقای کازرونی بنده که چیزی ملتفت نشدم زیرا که يك جا می فرمایند اینها ملك دولت نیست با نبوده اگر نبوده پس چه حقی میگرداند

کازرونی - من عرض کردم ملك مسلم

فهمی - عرض میکنم که این املاك مثل املاك خالصه انتقالی مستغلاتی است که سابق ملك دولت بوده و منتقل شده است بهر عنوان یا فرمان یا فروش یا غیر آن و امروز در تصرف اشخاص است و مثل املاك خالصه انتقالی دارای يك مالیهائی است زیادتر از معمول البته همان اصلی را که ما در مورد املاك خالصه انتقالی قبول کردیم و معمول نمودیم در مورد این مستغلات هم عیناً باید قبول کنیم یعنی آنها را از این ساعت یعنی از تاریخ تصویب این قانون ملك اربابی بشناسیم اما از حیث مالیات آنچه را که امروزه بعنوان مالیات میدهند یا مطابق صدی پنج مالیات مستغلات معمولی هست یا کمتر است یا بیشتر است. اگر مطابق معمول است که همان مالیات را خواهند داد و دولت هیچ مطالبه از آنها نمیکند و همان مالیات را از آنها خواهد گرفت و اگر کمتر است البته دولت حق دارد که مالیات آنها را بگیرد و اگر بیشتر است مالیات صدی پنج آن را موضوع کنند و بقیه را از قرار تومانی پنجتومان با آنها حساب کنند ولی در این لایحه مطلب درست واضح نشده است اولاً باید قید شود مقصود مستغلاتی است که متعلق بدولت بوده و منتقل شده است با شخص ولی بطور کلی

مستغلات انتقالی اینمطلباً نمیرساند. دیگر اینکه آنچه را که تومانی پنجتومان میخرند آن مازاد معمولی باید باشد امروز اگر يك مالیاتی میدهد و اگر آنرا باو بفروشند البته مجدداً مثل سایر املاك آن مالیات صدی پنج مستغلات را خواهد داد مثل سایر مستغلات پس مازاد آن را از قرار تومانی پنجتومان باید بفروشند (نه کلیه را) آنهم سه قسط متساری در سه سال ولی از مفهوم این ماده این طور بر نمی آید بلکه اینطور مستفاد میشود که کلیه مالیاتی را که امروز میدهند باید تومانی پنجتومان بخردند بعد هم مالیات معمولی صدی پنج را بدهند مثل سایر املاك اربابی (مخبر - صحیح است) و این را بنده مخالفم چنانکه در مالیات املاك خالصه انتقالی هم ذکر شده بالاخره بصورت اربابی هم که در بیاید تا حد نصاب مالیات معمولی ملکی حقی است که دولت باید بگیرد طرف هم باید آن را بدهد و تا آن میزان را دیگر معامله نمی کنند خرید و فروش هم میکنند بلکه آن اضافه بر حد نصاب را که میخواهند از تأدیه آن معاف باشند آن اضافه را می خرند در همین مورد هم بنده این عقیده را دارم و پیشنهادی هم در این خصوص تقدیم خواهم کرد تا این قضیه اصلاح شود مخبر - این اظهاری را که آقای فهمی فرمودند نظر کمیسیون همان بود که در لایحه و خبر کمیسیون ظاهر شده و ایشان هم از لایحه استنباط کردند و فرمودند چرا؟ چون ما بین خالصجات املاك انتقالی و مستغلات انتقالی مثل دکاکین و مغازه ها و غیره يك تفاوتی بزرگی است بجهت اینکه خالصجاتی که املاك بوده است یا مستغلات يك تفاوتی زیاد دارد. مثلاً خالصجاتی که سابقاً املاك بوده يك مالیاتی بدو می پرداخته علاوه بر مالیات دولتی يك منافعی هم از آن خالصجات عاید می شده ولی حالا اگر دقت بفرمائید و حساب بکنید می بینید از روی آن چیزی که در سابق بمیزی شده است امروز ابدأ آن عایدی را مطابق آن بمیزی سابق ندارد بلکه بطور کلی کسر هم کرده است

و در عباداتش نکس حاصل شده است. بر عکس در مستغلات، اجاره مستغلات نسبت بسابق خیلی ترقی کرده است و مالیاتش امروزه خیلی بسابق فرق دارد اگر در ده سال قبل مستغلی پنجتومان اجاره میداده است امروزه پنججاه تومان میدهد و آن مبلغی را که باید بدو بدو بدهند از روی همان مالیات و عبادات سابق ملحوظ میکنند در صورتیکه امروز عبادات آنها خیلی زیاد تر شده است و باید زیاد تر بدهند و روی همین نظر بوده است که آن اختلاف نظری را که آقای کازرونی فرمودند در کمیسیون پیدا شد و بعضی ها معتقد بودند که باید تومانی پنجتومان بیشتر بفروش برسد چون عایدی آن نسبت بسابق زیاد تر شده است و با خالصجات ملکی خیلی تفاوت دارد ولی از نقطه نظر اینکه دولت تومانی پنجتومان را پیشنهاد کرده بودند و مالیات را در واقع خراج کرده بودند یعنی این هیچ حساب نکرده بودند صدی پنج را از آن کسر کنند. کمیسیون هم با این نظر دولت موافقت کرد که در واقع این يك تفاوت قیسی با خالصجات پیدا می کند که آن تفاوت عبارت از همین مالیات صدی پنجی است که داده میشود یعنی آن حقوقی را که دولت از آن خالصجات و از این مستغلات دریافت میکرده است آن را عیناً می فروشد بمردم و تومانی پنجتومان میگیرد و این صدی پنج را هم البته ضمیمه می فرمائید که يك مالیات جدیدی است و مستغلات سابقاً این مالیات را هم نداشت این جدید است و همانطور که سایر مستغلات يك صدی پنجی بدو میدهند این املاك هم بعد خواهند داد و آن حقوقی که دولت از این مستغلات می برده و آن مالیاتی را که می گرفته است از قرار تومانی پنجتومان میفروشد بمردم و گمان می کنم بصرفه مردم هم باشد و البته دیگر مقتضی نیست که ما مالیات را هم از آن کسر کنیم و از مازاد تومانی پنجتومان بگیریم

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده موافقم.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی (در محل خود) - عرض کنم که در این

لایحه ...

رئیس - آقا برای تند نویسان مشکل است بشنوند

تشریف بیاورید این جا.

دهستانی (پشت کرسی خطاب) - بطوری که بنده

اطلاع دارم اغلب مردم گرفتار این مستغلات انتقالی بوده اند عرض کنم که در بعضی از جاها که خالصجات انتقالی بوده است و مطابق قانون خالصجات انتقالی با آنها عمل میشده است ضمناً يك مستغلاتی هم بوده است. وزارت مالیه در آن جا بمضیقه افتاده است. این عرض را هم از برای این می کنم که این جا يك مستغلاتی کسی ندارد. این لایحه برای این بوده است که وزارت مالیه در مضیقه بوده که با این جاها چه معامله بکند بنابراین آمدند و این لایحه را تقدیم مجلس کردند ولی بنده عقیده ام این است که تبعیض نباید قائل شد يك با دو و هو نیست که همانطوری که خالصجات انتقالی را الان عمل می نمایند مالیات مستغلات انتقالی هم همانطور باشد بنده نمیدانم چرا تبعیض باید بشود!! اینجا می نویسد که عوائد مستغلات را پنج برابر بکنند و بگیرند یعنی تومانی پنجتومان ولی در اینجا گفته میشود که باید آن صدی پنج مالیات مستغلات را کسر کنند و بقیه را تومانی پنجتومان بگیرند. عقیده بنده در این لایحه لازم است همانطوری که ما برای خالصجات انتقالی قائل شدیم که بعد از وضع قانون بمیزی یعنی صدی سه و نیم در اینجا هم باید قائل شویم بعد از وضع صدی پنج مالیات مستغلات اربابی بقیه را دولت بفروشد.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است - عده

دیگر - خیر کافی نیست)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - نظر مخالفت بنده در این جا این است که در این جا کم کم دارد این لایحه ... آقای مخبر هم خوبست توجه داشته باشند. مثل لایحه دعاری دولت بر افراد و افراد بر دولت میشود. چون این جا هیچ معین نشده است که این مستغلات انتقالی مطابق چه ترتیبی است و کدام است. فردا مأمور دولت مأمور مالیه می آید در خانه من و در ب دکان دبگری و میگوید که مالیات مستغلات انتقالی را بده. این جا هم معین نشده که این خالصجات انتقالی مطابق چه میزانی و چه ملاکی است. از آن طرف می فرمایند ما اطمینان داریم بمأمورین مان. بنده اطمینان ندارم تا موقعی که صورت ضمیمه در این جا بیاید و تا در کمیسیون قوانین مالیه معین نشود که چه املاکی خاصه یعنی مستغلات انتقالی است و چه ترتیبی دارد و بچه ملاک و مدرک شناخته میشود بنده نمی توانم ... مگر یاد رفتن . کجا هستی. نمیدانی آلان راجع بخاصه انتقالی چه آتشی بر جان مردم است که دچار چه زحمتی هستند در ولایات آقای بیات . این را ما صاف و پاک از این جا بیرون میدهم بعد خودشان هر کاری بکنند بکنند! بنده با این ترتیب بجملم مخالقم و عقیده ام این است که مجلس محترم هم موافقت بفرمایند که بیشتر صحبت بکنیم آقای وزیر مالیه هم تشریف دارند معاون محترم شان هم هستند عقاید ما را در این باب بفهمند و بدانند. از این جهت بنده مخالف هستم با کفایات مذاکرات و باید فهمید که چه دفتری و چه مدرکی را می خواهند اعتبار بدهند برای تشخیص مستغلات انتقالی .

مخبر - این صحبتی را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اگر دقت در این راپورت می فرمودند میدیدند که در کمیسیون خیلی راجع باین موضوع مطالعه و تدقیق شده است و رفع اشکال ایشان را کمیسیون کرده و در راپورت ذکر کرده است. يك دکا کین و مستغلاتی از طرف دولت

بمردم انتقال داده شده و امروز این املاک در دست مردم است و دولت يك مالیاتی می گرفته حالا میخواهد برای یکسان کردن مالیات این اضافه مالیاتی که میگردد بآنها بفرورد و آنها هم مثل سایر مستغلات صدی پنج از این ببعده بدهند. در اینجا اگر لایحه دولت را ملاحظه بفرمائید خودشان برای رفع اختلاف ترتیب حکمت را پیش آورده بودند و در قسمت آخر لایحه ذکر کرده بودند که رفع اختلافات بحکمیت رجوع میشود ولی مادام که این مذاکره کردیم دیدیم این قسمت اصلاً محتاج بحکمیت نیست زیرا که در این جا ما نوشته ایم در قسمت اول بوزارت مالیه اجازه داده میشود که مستغلات انتقالی را که در تصرف مردم است از تاریخ تصویب این قانون ملک اربابی بشناسد و مستغلاتی که مربوط بدولت بود و انتقال داده شده بمردم از تاریخ تصویب این قانون ملک اربابی بشناسد. خوب این جا که هیچ محل اختلاف نیست که بخواهند بحکمیت رجوع نمایند از تاریخ تصویب این قانون آنها را ملک اربابی بشناسد خیلی خوب آتوش يك مالیاتی را که دولت می گرفته است از مردم آن را هم تودانی پنج تومان بمردم بفرورد و پولش را از مردم میگردد این جا اگر چنانچه يك مستغلی از طرف دولت بمردم انتقال داده شده و مالیاتی هم از آنها گرفته نمی شده امروز اربابی شناخته میشود مطابق این قانون چیزی هم ازش گرفته نمیشود اگر هم مالیاتی می داده است آن مالیات را نومان پنج تومان دولت میفرورد بآنها و ملک اربابی شناخته میشود و البته تصدیق بفرمائید که ترتیب مالیات دادن و مالیات گرفتن مثل ترتیب خالصجات انتقالی نیست که اسباب اختلاف و اشکال باشد برای اینکه اینجا اصلاً در ترتیب اختلاف مالیات و زبادی و کمی مابین مردم اختلاف میشود چون سابق بر این املاک خاصه انتقالی مالیات دولتی هم داشت و چون مالیات دولتی داشت ما بین ملک اربابی و ملک خاصه تفاوتی گذاشته نمیشد و مابین دولت و مردم يك مشاجره و گفتگویی پیدا میشد. اما در قسمت

مستغلات اینطور بدست سابقاً مستغلات مالیات نداشت که باعث اختلاف مابین مردم و دولت بشود هر مستغلی که قبل از این صدی پنج یا يك چیزی بدولت میداده است معلوم میشود که این مستغلات دولتی بوده است (بجهت اینکه سابقش که انتقالی نبوده و دولتی نبوده هیچ اشکالی نبوده) آن اضافه مالیات را دولت میفرورد و پولش را میگردد و بنا بر این هیچ اختلافی مابین دولت و مردم پیدا نمیشود که محتاج به حکمت یا يك مواد دیگری باشد. مستغلاتی که سابقاً مالیات میداده است معلوم میشود مال دولت بوده است و دولت آن اضافه مالیاتش را میفرورد از قرار نومان پنج تومان و هیچ اختلافی هم پیدا نمیشود تا محتاج به حکمت بشود و اشکالی هم باقی نیست .

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

روحی - کافی نیست .

رئیس - رای میگیریم بکفایات مذاکرات آقایانی که کافی میدانند قیام فرمایند
(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست . آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسف هستم که از دوره چهارم که آمدیم از همان نماینده های دوره چهارم و دوره پنجم و دوره ششم عده ایشان هستند یکی از آنها خود آقای سهام السلطان هستند که تشریف داشتند از همان موقع این خیال در کانون دماغ همه مان بود که يك نوعی بکنیم که مالیات مستقیمی را که دولت میگردد که عبارت از مالیات نقدی و چینی است این در تحت يك قانون بیاید که بعد از آنکه آن قانون از مجلس گذشت عموم مردم مطابق آن قانون آسوده باشند این

بود که می خیال کردیم مدتی در اطراف قانون میزنی افکار خودمان را تجمع دادیم و قانون نوشتم و خود آقایان بهتر میدانند که قانون میزنی در موقع اجرا چه بلای می بود بجان مردم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) در هر جا که قانون میزنی یعنی بحال دولت داشت آن را گرفتند و در هر جا که در زمان نادر شاه مثلا يك ده خرابه بود یا در زمان صفویه فلانقدر مالیات میداده است همان مقدار مالیات را میگرفتند هر چه میگفتند آقا اصلاً نژادش هم تغییر کرده است آنوقت مثلا فلان بوده اند حالا فلان شده اند گفتند خیر زمین همان زمین است این قانون میزنی مان بود که همه آن میدانید و دیدید . هر دوره آمدید دوست هزار تومان اعتبار دادید برای اجرای قانون میزنی نتیجه اش آن بود که در کشو میز وزارت خانها و در کمیسیون عرایض و در اطاق هر کس از نماینده ها که دارای ترتیب جدید و میز و اینها دارند هست این یکی راجع بقانون میزنی آمدیم در قانون خالصه انتقالی که در دوره ششم گذشت اینجا محل اختلاف بود نظر عده این بود که حقیقه دولت را کم کم از مالک بودن دستش را کوتاه کنیم که دولت دیگر مالک نباشد نمی دانستیم در دوره هفتم می آیند حق جنسهای مردم را هم جمع میکنند حالا نظر این است که يك قانونی بعنوان خالصجات نوشته شود و این املاکی را که بعنوان خاصه انتقالی دولت همیشه در فشار است و مردم هم در فشارند يك ترتیبی قرار بدهند که دولت راحت بشود . و همانجوری که آقای فهیمی در اینجا اظهار کردند اگر مالیات آنها بیشتر است بچه ترتیب رفتار شود (بسه قسط که معین شده بفروردند و ترتیب آن را بدهند) اگر مالیاتشان کمتر است ترتیب دیگری بدهند چون در مقام عمل بطوریکه بنده اطلاع دارم خیلی شکایت در این باب شده است مخصوصاً در طرف فارس و گرمسیرات فارس که بکفایتی اغشاش و اینها شد راجع بهمین قسمت ها بود جالا که بحمدالله اصلاح شد و این قسمت ها صاف شد و دارد جریانش

صاف میشود و اصلاحات هم پیش رفته است در اینجا حالا آمده است در تعقیب همان قانونی که هنوز آتش بجان مردم است این قانون آمده است چون در آن قانون دعوی دولت بر مردم و دعوی مردم بر دولت در آنجا « نایش » که نماینده وزارت مالیه بود آوردیم چون او جزو جمع قدیم را مستحضر بود همان دراز نوس های قدیم میگفتند فرمائید (و چقدر خوب چیزی بود و این کرد نویسی های حالا اسباب زحمت شده است) او را آوردیم که جزو جمع مناط است ؟ رقبه محمد شاهی مناط است ؟ رقبه ناصرالدین شاهی مناط است ؟ دفتر جزو جمع مناط است ؟ چه چیز را ما مناط قرار بدهیم نامطابق آن دفتر ما بیائیم آن را تشخیص بدهیم که مال دولت چه میشود و مال دهاقین چه میشود ؟ مطابق آن تشخیص معین کنیم . آنجا مدتها در این باب صحبت کردیم و چهار قسم دفتر اظهار کردند دفتر بشیچه دفتر جزو جمع دفتر ایالت و صحبت ها شد در آنجا باز هم نتوانستیم توافق پیدا کنیم و نتوانستیم بیک جایی منتهی بکنیم گذاشتیم که در فراکسیون یا در مجلس اگر موفق بشویم در اینجا ها بک کاری بکنیم . راجع باین لایحه هم آقای مخبر محترم فرمودند بنده این عرض را میکنم بنده خیلی متأسفم که این عرض را میکنم برای اینکه به مجرد اینکه این قانون رفت بدست مامورین مالیه (مامورین طهران را عرض نمیکنم که کفر گفته باشم) مامورین خارج را عرض میکنم به مجردی که بک خرده بوی قانون داشته باشد باقیش را دیگر خلاف قانون میکنند . اینجا نوشته است مستغلات انتقالی بنده نمیدانم که از ازل سلطنت قاجاریه به بعد همینجور مستغلات انتقالی بوده است مثلاً عمارات کریم خان برپا است اینها تمام خالصه است دیگر . مثلاً فارس عمارات سلطین زنده به در آنجا سلطنت کرده اند بازار ودکاکن و حمام دارند کاروانسرا دارند همینجور جاهای دیگر مثلاً مال صفویه است بعد از آن مال قاجاریه هست بعد از آن به این ترتیب این دکاکن و این حمام

شود و الا با این ترتیب همان گرفتاری ها در ضمن عمل پیش می آید این عقیده بنده است و بک پیشنهادی هم در همین زمینه دارم که تقدیم مقام ریاست میکنم . وزیر مالیه - در اساس مسئله که توضیحات بقدر کافی از طرف آقای مخبر داده شد دیگر لازم نیست حالا بنده می فهمم که آقای آقا سید بمقوب معطلی شایسته فقط در دفتر و صورت است که اساسی و نقاط محل ها معین شود اگر میدانستم مقصود این مسئله بود که واقعاً وقتمان هم زیاد تلف نمیشد . این ممکن است البته صورت را تهیه کرد و داد اگر اجازه بفرمائید بپردازم به کمیسیون و در کمیسیون هم مطالعه میشود . بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است یاسائی - با کفایت مذاکرات مخالفم . بعضی از نمایندگان - دو شوری است . رئیس - آقای ناصری

ناصری - مخالفت بنده از نقطه نظر دیگری است . واگذاری منال دولت باشخاص برای استفاده که میکنند نیست . تصور میکنم صورت خالصجات انتقالی و مستغلات را اگر در کمیسیون ملاحظه میکردید اغلب این خالصجات با بک منال جزئی واگذار شده است دولت هم مالک این مستغلات بوده است . قانون مستغلات البته الزام میکند که صدی پنج مالیات معمولی را بدهد ولی حقیقه هیچ تطبیق نمیکند این مستغلات را که در بعضی جاهای مثلاً خراسان است به ارزشی که دارد در برابر بک مبلغ خیلی کمی بمصرفین فعلی واگذار میشود عقیده بنده این بود که اقلاً در حدود ده برابر مالیات سابقش واگذار بشود و بنده نمیدانم در کمیسیون آیا مالیات مستغلات را از نقطه نظر مقدار مالیات همبیک از آقایان اعضاء محترم کمیسیون ملاحظه فرموده اند یا نه ؟ این مستغلاتی که باشخاص در سابق واگذار شده است در مقابل منال دولت در واقع منال دولت

بعضی حقوقی که دولت میگرفته است واگذار شده است باشخاص خیلی جاها اصلاً دولت حقوق نداشته است و بعنوان سرایداری باشخاص واگذار کرده است فرض بفرمائید بک مستغلی که در حدود سی چهار هزار تومان ارزش داشته است در مقابل بیست تومان سی تومان باشخاص داده شده است حدود مالیات سابق مستغلات اینطور ها است شاید کمتر مستغل باشد که به صد تومان واگذار شده باشد در اینصورت پنج برابر پنج بیست تومان صد تومان بک مستغل فوق العاده کرانیهائی را منتقل کردن باشخاص بعقیده من بک بی انصافی است نسبت باملاک در ایران به همان استدلالی که آقای مخبر فرمودند املاک بک خالت خیلی آسف انگیزی دارد و هر جا در نتیجه خشکسالی در نتیجه بک آفات ارضی و سماری مالکین آنها محتاج بک خرج های فوق العاده شده اند و خیلی املاتی هم هست که جزو جمع صدخوار بوده است امروز از عهده ادای پنجاه خوار هم بر نیاید قانون ممیزی هم در واقع موجد اصلیش این بوده است شکایت مالکین این بوده است در قسمت مستغلات بنده بقیه دارم که صورت مستغلات (بنده تشخیص ندادم) تصور میکنم جواب آقای مخبر محترم به آقای آقا سید بمقوب خیلی اقتناع کننده بوده است چون اگر مالیاتی میداده است آن شخص مالیات بده خود این مالیات دادن تصدیق بر انتقالی بودن این مستغل است ولی از نقطه نظر مالیات بک قدری از قاعده خارج است آنچه بنده از سوابقی که در مالیه دارم و کار میکردم اطلاع دارم مالیات این مستغلات خیلی خیلی ناقابل است شاید کمتر از این مستغلات باشد که از دو بیست تومان تجاوز بکنند در صورتیکه اراضی خیلی مهم و مستغلات فوق العاده مهمی بوده است مخبر - این لایحه دو شوری است و البته در بین الشورین هم چند روزی طول میکشد آقای وزیر مالیه هم فرمودند که آن صورت را بفرستند در اینصورت رایی که باید گرفته شود راجع بشور اول آن رأی گرفته شود بعد در ضمن

شور دوم که میخواهیم ترتیب لایحه بدهیم آنصورت هم در کمیسیون ملاحظه خواهد شد و راجع به تفاوت قیمت هم که آقای ناصری فرمودند این البته يك قيمتی است که بسته بنظر مجلس است دولت پیشنهاد کرده است تومانی پنج تومان کمیسیون هم با اینکه مالیات را خارج کنند موافقت کرد و البته اگر آقایان نظری داشته باشند این يك چیزی است که مربوط بنظر آقایان و مجلس است ممکن است پیشنهاد بکنند هر طور که مجلس قبول کرد البته رفتار خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

یاسائی - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

یاسائی - عرض میشود که این قانون مهمی است همان اندازه که قانون خالصجات انتقالی اهمیت داشت این قانون هم اهمیت دارد منتهی دولت خیلی کوچکش کرده است و در ضمن يك ماده واحد آورده است مجلس و آقایان هم توجهی نکرده اند حالا که مذاکره میشود متوجه میشوند که همان اهمیت را دارد . اینجا نوشته است دولت مجاز است که مستغلات را بفروشد ولی اگر صد و پنجاه سال قبل در رقبه نادری يك دکان باحامي را پیدا کرده است آن را هم بفروشد ؟ بموجب این قانون این جور میشود و شما هیچ مرور زمانی قائل نشده اید در آن جا ما گفته ایم که سی سال و بیست سال مرور زمان املاک خالصه انتقالی باشد و بالاخره اختلاف راجع به حکمیت باشد . این جا مقصود دولت این بوده است که هر مستغلی به هر نحوی در دست هر کس هست حالا که رقبه پیدا کردند بفروشد و تومانی پنج تومان از مردم بگیرد ولی مال دوست سال قبل را هم بگیرد ؟ ما مخالف این هستیم . بالاخره باید يك مرور زمانی برایش قائل شد اگر مقصود این است که مطابق قانون خالصه انتقالی باشد باید در خود ماده واحد قید شود . آن موادی که در قانون خالصه انتقالی هست

راجع به حکمیت مثلاً اگر يك مستغلی وقت بر مسجد است مطابق آن قانون باید به مصرف همان مسجد برسد ولی در اینجا ساکت است و همینطور سایر مواردی که در قانون خالصه انتقالی است و بنظر بنده این را باید يك مواد دیگری برایش تنظیم کرد و از صورت ماده واحد بودن کمیسیون درش بیاورد و تنظیم بکند برای شور نانی تقدیم مجلس نماید .

مخبر - آقای یاسائی معلوم میشود در موقعی که بنده توضیحاتی در جواب فرمایشات آقای آقا سید یعقوب دادم توجه نفرمودند . بنده عرض کردم مابین خالصجات ملکی و خالصجات مستغلی تفاوت است . خالصجات ملکی سابقاً هم يك مالیاتی میداده است ملاحظه بفرمائید کلیه املاک يك مالیاتی بدولت میداده است هم املاک اربابی هم خالصه انتقالی هر دو دارای يك مالیاتی بوده اند حالا که میخواهند تشخیص بدهند يك اشکالاتی مابین دولت و مردم پیدا میشود مردم می گفتند این مالک مال من است دولت میگفت مال من است البته روی يك اصولی دولت میگفت یعنی از روی رقبان و البته ما محتاج بودیم که يك موادی بگذرانیم و مرور زمان و حکمیت هم برایش قائل بشویم و نام این طرق را در نظر بگیریم . اما در قسمت مستغلات عرض کردم اینطور نیست برای اینکه مستغلات قبل از این مالیات صدی پنج بهیچوجه مالیات بدولت نمیداده و مالیات نداشته مستغلات اربابی قبل از مالیات صدی پنج بهیچوجه مالیات نمیداده و اگر يك مستغلی مالیات میداده معلوم میشود این بواسطه يك حقی بوده که دولت در آن مستغلی داشته است حالا هم ما از تاریخ تصویب این قانون آن مستغلی را اربابی می شناسیم اگر يك حقی دولت از آن مستغلی میگیرد فرض بفرمائید يك مستغلی را دولت سالی صد تومان میگیرد سالی صد تومانش را دولت تومانی پنج تومان میفروشد . اگر يك مستغلی در اصل مال دولت بوده است و انتقال داده است دولت از او چیزی نمیگرفته است ما از آن تاریخ آن را اربابی می شناسیم (یاسائی - این را نوشته اید

بنویسید که واضح باشد) پس هیچ اختلافی بین مردم و دولت باقی نمی ماند تا ما حکمیت و آن قسمت ها را قائل بشویم برای اینکه خصوصاً در لایحه دولت حکمیت هم نوشته شده است ولی برای اینکه ما خواستیم رفع این اشکال بشود و بهیچوجه بین مردم و دولت اختلاف پیش نیاید آن حکمیت را برداشتم لکن از تاریخ تصویب این قانون کلیه املاک را اربابی می شناسیم و اگر يك حقی دولت میگیرد آن را میفروشد و آن حق هم البته تصدیق میفرمائید يك چیزی نیست که اسباب اختلاف باشد بجهت اینکه بترتیب سنواری قبوض مالیاتی معمول بوده است ده سال بیست سال سی سال که مالیات میداده قبضش را گرفته است البته معلوم است حالا هم مالک است و اگر نمیداده است که حالا هم چیزی از او نمیگیرد و گمان نمیکنم اختلافی پیش بیاید که محتاج به حکمیت و این ترتیبات باشد .

ملك آرائی - حالا مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای فهیمی رسیده است قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه از دستور خارج شود و بکمیسیون عودت داده شود تا تکمیل کنند و به مجلس پیشنهاد کنند .

رئیس - بفرمائید

فهیمی - چون بنده ملاحظه میکنم در اصل موضوع مخالفتی نیست لکن با این ماده که بطور ناقص پیشنهاد شده است نظریات مخالف است و يك ماده بیشتر نیست ما هم حالا باید رأی بدهیم بشور نانی و البته اشخاصی که مخالفت دارند ممکن است رأی ندهند در صورتی که خیال رد کردن این لایحه را هم ندارند این را برای تسهیل امر ممکن است از دستور خارج کنند برود بکمیسیون در آنجا مطالعه کنند آقای وزیر مالیه هم

ممکن است حاضر شوند و توضیحات بدهند و لایحه را تکمیل و نانیاً بمجلس تقدیم کنند که اسباب اشکال اشود مخبر -- بنده از آقای فهیمی انتظار نداشتم که این پیشنهاد را بفرمایند برای اینکه خودشان ترتیبات مجلس را بهتر میدانند و کاملاً مطلعند که کمیسیون باید نظریات مجلس را به بینند و در آنها دقت بکنند تا از روی آنها بتواند يك پیشنهاد جدیدی بکند و شور اول و دوم هم که قرار داده شده برای همین است بنده عجلتاً با کمیسیون چطور میتواند بفهمد که نظریات آقای فهیمی با سایر آقایان چیست پیشنهاد برای همین نظریه است چرا از دستور خارج شود؟ بنده عرض کردم مطابق جریان مجلسی در این جا رای گرفته میشود برای شور دوم البته چون با اصل هم موافقت رای میدهند بعد اگر نظریاتی دارند پیشنهاد میدهند پیشنهادات هم میرود بکمیسیون در کمیسیون پیشنهادات را دقت میکنند نظر دولت را هم جلب میکنند و صورت را هم میخواهند بعد موافق جمیع نظریات لایحه را تنظیم میکنند و در دفعه نانی اگر اختلاف نظری باشد البته ممکن است بفرمائید ولی حالا کمیسیون نظریه آقایان را هیچ نمیداند و دو مرتبه مجبور است روی اصل نظریه خودش راپورت بدهد آنوقت دو مرتبه که لایحه می آید باز همین اختلافات در بین هست بنابراین این خواهش میکنم آقای فهیمی هم موافقت بفرمایند و پیشنهادشان را مسترد بدارند و آن نظریاتی را که دارند پیشنهاد کنند که برود بکمیسیون تا کمیسیون از روی آن نظریات يك ترتیب جدیدی را اتخاذ کند .

فهیمی -- بنده پیشنهاد را پس میگیرم اما رأی نمی دم .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحد این شکل نوشته شود: مستغلات انتقالی مشمول خالصجات انتقالی است مگر

از حثت مالیات آئیه تابع مقررات قانون مستغلات است
مؤید احمدی
پیشنهاد میکنم صدی پنج مبدل صدی هفت شود
ع . روحی

مقام ریاست معظم

تبصره ذیل را بماده واحده اضافه مینماید :

تبصره - در صورتیکه مالیات جزء جمعی مستغلات
علاوه برنصفه عوائد سالیانه آن باشد وزارت مالیه مکلف
است میزان مالیات را نصفه عوائد سالیانه قرار بدهد
دهستانی

مقام ریاست مجلس دامت عظمه

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بشرح ذیل
تنظیم شود :

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که
مستغلات انتقالی را از تاریخ تصویب این قانون ملک
اربابی شناخته و بعد از وضع صدی پنج مالیات مستغلات
بقیه جزو جمعی را تومانی پنجتومان بمصرفین فروخته
و قیمت آنرا از سنه ۱۳۰۹ سه سال به سه قسط دریافت
دارد دهستانی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده به نحو ذیل
اصلاح شود :

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود
که مطابق قانون بیستم اسفند ۱۳۰۶ مستغلات انتقالی
را که در تصرف مردم است از تاریخ تصویب این قانون
الح باسانی

بنده پیشنهاد میکنم عوض عبارت دولت مجاز است نوشته
شود دولت مکلف است عدل

بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بطریق ذیل
نوشته شود :

ماده واحده - مستغلاتی که سابقاً متعلق بدولت
بوده و فعلاً در تصرف مالکانه اشخاص است از تاریخ
تصویب این قانون ملک اربابی شناخته میشود و راجع

بمالیات تابع مقررات قانون مالیات مستغلات خواهد بود
ولی هرگاه مالیات فعلی آنها بیشتر از صدی پنج عایدات
سالیانه باشد مازاد آن را از قرار تومانی پنج تومان از
دولت خریداری نموده و قیمت را از اول ۱۳۰۹ در
ظرف سه سال تادیه نمایند فیهمی

پیشنهاد میکنم در ماده اول این نوع اصلاح شود :
مستغلات انتقالی مطابق صورت ضمیمه که در تاریخ
اجراء این قانون الخ بمعقوب الموسوی
دوتبصره ذیل را پیشنهاد مینمایم :

تبصره (۱) مستغلاتی که در باغات و اراضی خاصه
انتقالی ساخته شده است مالیات آن اراضی از قرار تومانی
پنجتومان دولت مکلف است بفروشد

تبصره (۲) - اراضی خاصه شهری که در تصرف
اشخاص است ودولت حق الارض یا اجاره دائمی از آنها
میکیرد دولت مکلف است بمصرفین از قرار تومانی
پنجتومان بفروشد صادق خواجوی

پیشنهاد میکنم پس از عبارت صدی پنج در یافت میداشته
عبارت ذیل اضافه شود یا فعلاً حق الارض سالیانه یا مال
الاجاره از آنها میکرفته الخ عدل

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده واحده بشرح ذیل
اصلاح شود :

و از آن قسمت مستغلاتی که دولت قبل از مالیات
موضوعه صدی پنج مستغلات مالیاتی در یافت میداشته
الی آخر احتشام زاده

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم بجای از قرار تومانی پنجتومان
نوشته شود از قرارعشر قیمت عادلہ فعلی مستقل فروخته
الی آخر ناصر

مقام ریاست عالیہ دار الشورای ملی دامت عظمه
بنده پیشنهاد میکنم که میزان صدی پنج صدی چهار
تبدیل و تعیین شود اورنگ

مقام عالی ریاست مجلس مقدس دامت عظمه
بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده این قسم تنظیم شود

دولت مالیات مستغلات خالصگی که از تاریخ این
قانون بانزده سال قبل عمل بخالصگی میکرده ملک اربابی
شناخته و اضافه مالیاتی که بعد از وضع مالیات صدی پنج
مستغلات تومانی پنجتومان بمسقط متساوی سه ساله بمصرفین
آنها بر گذار نماید سید مرتضی دنوق

رئیس - آقایان موافقین با ورود در شور دوم
قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون بودجه راجع
بناصفه حقوق معلمین

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۱۳۲۴۰ راجع بکرایه
منزل معلمین را مطرح ویس از مذاکرات لازمه ماده
واحدہ ذیل را تصویب و بعرض مجلس میرساند

ماده واحده - وزارت معارف مجاز است علاوه بر
حقوقی که در قانون ۹ نیر ماه ۱۳۰۸ برای استخدام
نوازده نفر معلم فرانسوی منظور گردیده است در صورتیکه
مقتضی بداند بهر یک سالیانه دوپست و پنجاه تومان از
محل اعتبار مصوبه هذہ السنه مدارس متوسطه بابت کرایه
منزل تادیه نماید .

رئیس - ماده واحده مطرح است . آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده اساساً نسبت بکمک و مساعدت درباره
معلمینی که جلب میشوند استخدام میشوند کاملاً موافق
هستم ولی وزارت معارف يك اصلی را که روی هم رفته
گفته شده بود در جریانهای دولتی آن اصل را نخبدید
میکند و آن عبارت است از تبعیض سابق بر این گفته
بنده که اگر چنانچه مثلاً وزارت مالیه حقوق اعضا
در مستخدمین خودش را زود تر میدهد بمناسبت
الذات که معمولاً پهلوی بخاری است و هر کس نزدیکتر

به بخاری است زود تر گرم میشود این يك اصل شده بود
و بالاخره در نتیجه جریانهای اخیر و مراقبت شدید
اعلیحضرت و دقت دولت راجع باین موضوع این اصل از
بین رفت و مدوم شد زیرا همه مستخدم دولت و همه
یکسان هستند و اگر در باره کسی می بایستی رعایتی
بشود و تسهیلاتی فراهم بیاید نسبت بسایرین هم که
در ردیف او هستند بایستی همین طور رعایت شود يك
عده از معلمین را وزارت معارف استخدام کرده است
بعضی از آنها در طهران هستند و بعضی از آنها در ایالات
و این ترتیب تبعیض میشود زیرا از طرف وزارت معارف
نسبت به معلمینی که دائماً آنها را می بیند و خدمات
آنها را دقت میکند رعایت تسهیلات را میکند در باره
آنها در حالتی که معلمین دیگری هستند که استخدام
شده اند در ایالات و ولایات و بسیاری از آنها هم
هستند که در جاهائی که نسبتاً وسائل زندگانی فراهم
نیست امرار معاش می نمایند و خدمت خودشانرا ادامه
میدهند . وزارت معارف آن توجهی را که باید درباره
عموم معلمین یکسان بنماید و مخصوصاً نسبت به معلمین
خارجی ندارد و این ترتیب سبب میشود که معلمین
اروپائی که استخدام شده اند و در نقاط مختلفه هستند
از کار دلسرد میشوند من باب مثل و برای جلب نظر
معاون محترم وزارت معارف عرض میکنم که دو نفر از
معلمین خارجی استخدام شده اند برای مدرسه صنعتی فارس
اولاً سوابق تحصیلی آنها در وزارت معارف هست علاوه
بر اینکه تحصیلات در مدارس عالی صنعتی داشته اند در
دارالمعلمین صنعتی هم تحصیلاتی داشته اند و دیلمه دارالمعلمین
صنعتی بران هستند و بناهایت میل هم حاضر شده اند بایران
بیایند و در يك مدرسه جدید التاسیس خدمت نمایند
و البته بودجه مدرسه هم کم بود بملاوه فرق میکند يك
مؤسسه را که دولت بخواند راه بیندازد با اشخاص
متفرقه زیرا در بدر امر دولت مستخدمینی را که
بخواند بیاورد البته حقوق زیاد میدهد همینطور که
می بینید ولی اگر اشخاص عادی بخوانند معلمینی یا

اعضاء و مستخدمین دعوت نمایند رعایت تناسب بودجه را هم می نمایند. نسبت باین دو نفر معلم این رعایت هم شده است یعنی معلمینی که شاید این قدر معلومات و تحصیلات نداشته باشند در وزارت معارف استخدام شده اند برای مدارس طهران و حقوق زیادی که آقایان تصویب فرموده اند و لازم هم بوده است بآنها داده میشود ولی نسبت باین دو نفر معلم یکی از آنها هم مدیر مدرسه است (مدیر فنی مدرسه است) و هم معلم آهنگری است ماهی دوست تومان میگیرد و دیگری که معلم نجاری است با ماهی صد و پنجاه تومان آنها در شیراز زندگی میکنند همه ما ها میدانیم که در طهران وسائل زندگی آنها برای اروپائی ها بیشتر فراهم است تا در ایالات و ولایات معذک آنها تحمل کرده اند و واقعا خدمت کرده اند و ممکن است آقایان کم و بیش مستحضر باشند که این مؤسسه آرام آرام میرود که خودش را برای مملکت ایران مفید بکند و مورد استفاد واقع شود اینها هم جوانهای لایقی هستند برای کرایه منزل آنها بنده دقت کردم دیدم در شیراز برخلاف طهران یا اصفهان خانه کرایه کم و گران است در اصفهان طهران و اغلب نقاط ایران مردم خانه هائی میسازند و کرایه میدهند ولی در شیراز هرکس خانه دارد فقط برای سکونت خودش است برای معلمین خارجی زحمت بود تهیه منزل. يك منزلی باكمك یکی از دوستان برای آنها تهیه شد و نشستند برای کرایه منزل آنها در بودجه امسال مدرسه که از تصویب مجلس گذشته است يك مبلغی منظور شده چون بودجه مدرسه درست بدست هزار تومان بود و وزارت معارف میتوانسته است با پیشنهاد مدرسه تغییر و تبدیلی راجع بمخارج بدهد يك مبلغی هم برای کرایه منزل آنها پیشنهاد شد اما مطابق جریان محاسباتی و مالیاتی میگویند ممکن نیست چون يك چنین قانونی لازم داشته است حالا این يك موضوعی است که ششماه تمام در وزارت معارف بنده با وزیر معارف و رئیس محاسبات صحبت میکنم حالا آقایان يك

لايحه روی همین احتیاج تنظیم کردند برای دوازده نفر معلمینی که پهلوی خودشان در مدارس طهران استخدام شده اند بدون اینکه دقت کنند که يك معلمینی هم هستند در اطراف ایران آنها هم يك چنین احتیاج فاحشی را دارند اگر استحقاق دارند درباره آنها هم منظور شود اگر استحقاق ندارند در استحقاق این آقایان هم باید دقت شود بالاخره يك لایحه تنظیم کرده اند مجلس فرستاده اند بدون مطالعه اطراف امر کیسیون هم با يك حسن نیت تصویب کرده است بعقیده بنده این عمل سبب میشود که معلمین دیگر از کار دل سرد شوند. سبب میشود که تصور بکنند وزارت معارف برایش نزدیک و دور فرق میکند همین طوری که در جاهای دیگر خیال نمیکند برای وزارت معارف نزدیک و دوری هست در ایران هم نباید دور کنند و باید معتقد باشند که در برابر وزارت معارف مدرسه که در مرکز هست یا فلان مدرسه که در برازجان یا چارکوتا یا ابهر است هیچ فرق نمیکند همینطوری که معلمین مدارس طهران باید غنی و راحت باشند تا بتوانند باور خودشان برسند معلمین مدرسه زرقان فارس هم باقی خیالشان راحت باشد بابکارهایشان برسند بنده يك پیشنهادی هم در این خصوص تنظیم کرده ام و تقدیم مقام ریاست میکنم بعقیده بنده وزارت معارف باید بیشتر از این در تعمیم ترقی معلمین و محصلین سعی نماید که تبعیض در کار نباشد تا اینکه مدارس رو به مرفه ترقی بکنند و مدارس ما مطابق احتیاجی که داریم پیشرفت کنند معاون وزارت معارف -- فرمایشاتی که آقایان نمایند محترم فرمودند باید تصدیق کرد که شاید مجلس در این لایحه نبود زیرا که ما يك لایحه آوردیم برای كك خرج عده معلمینی که جدیداً میخواهیم کنتراک کنیم و آن وارد شدند در وضعیت زندگانی معلمینی که در فلان جا هستند. ما اگر میخواستیم يك آدم اداری باشیم باسستی حتی به معلمین داخلی هم اجازه ندهیم که مرجع غیر از وزارتخانه متبوعه شان داشته باشند ولی مناسبانه

مای آئیم این امری که اختلال باور اداری وارد میکند خرده خرده مستخدمین خارجی هم نشر میدهیم که شما میتوانید بمقامات غیر مسئول غیر از همان مقام مستقیمی که شما مسئول آن هستید مراجعه کنید....

همراز -- آقا این چه حرفی است میزنید اولین مقام مجلس است

(همه هم نمایندگان)

آقا سید یعقوب -- ای داد بیداد مشروطیت ازین رفت. مجلس حق حرف زدن ندارد

(همه هم نمایندگان -- صدای زنگ رئیس)

معاون وزارت معارف -- آقا اجازه بدهید من حرفم را بزنم....

یاسائی -- میفهمی چه میگوئی؟ (با حرارت)

(همه هم نمایندگان)

آقا سید یعقوب -- یعنی چه این حرفها چیست؟ (در اینموقع چند نفر از آقایان نمایندگان با همه هم داد و فریاد از مجلس خارج میشدند)

معاون وزارت معارف -- آقا من چه گفتم عرض کردم تبعه خارجه....

یاسائی -- تهدید میکنی (با حرارت) اولین دفعه ایست که يك معاون اینطور پشت تریبون در مقابل نمایندگان ملك حرف میزند تو مسئول من هستی (با حرارت)

کلزونی -- چرا بازی در می آوری (خطاب معاون)

حرف را تمام کن آقا

آقا سید محمد تقی طباطبائی -- این صحبتها چیست؟

پور محسن -- (با حرارت) حرفت را بزن

کلزونی -- مگر چه گفت آقا؟ چرا نمیگذارید حرف بزند!!

(در اینموقع مجدداً چند نفر دیگر از آقایان نمایندگان از مجلس خارج می شدند)

معاون وزارت معارف -- اگر بنده خلافتی عرض کردم معذرت میخواهم بنده عرض میکنم مرجع نظام مجلس شورای ملی است بکنفر تبعه خارجه باید بمجلس که مرجع نظام او است مراجعه کند... (صحبت بین نمایندگان)

کلزونی -- صحیح است آقا صحیح میگوئی آقا مسئول وزارتخانه است

معاون وزارت معارف -- بکنفر تبعه خارجه باید مرجع خود نظام کند اگر ما رسیدگی نکردیم البته باید به مجلس شورای ملی که مرجع نظامات است مراجعه کند اما راجع بكمك خرجی که میفرمایند ما وضعیت معلمین را در تمام نقاط مملکت می بینیم و معلمین خارجی را هم جدت میکنیم که وضعیتشان معتدل و بر طبق زندگی عمومی باشد و این دوازده نفر هم معلمینی هستند که برای کرایه خانه شان... رئیس -- آقا عده برای مذاکره کافی نیست.

(۶ -- موقع دستور جلسه بعد -- ختم جلسه)

عراقی -- بنده پیشنهاد ختم جلسه میکنم

رئیس -- اگر موافقت فرمایند جلسه را ختم میکنم جلسه آتیه یکشنبه هفتم مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر